

تصمیمات قضائی

حکم دیوان کشور در مورد تخفیف مجازات

(۱)

کسی با اتهام ضرب پیاسبان بسبب انجام وظیفه تحت تعقیب دادسرای شهرستان واقع شده و پس از صدور قرار مجرمیت او از طرف بازپرس و تنظیم کیفرخواست از طرف دادستان با تطبیق عمل بماده ۱۶۵ قانون کیفر عمومی تعیین کیفر او از دادگاه جنحه درخواست میشود.

دادگاه مزبور پس از رسیدگی او را برطبق ماده مذکور غیاباً یکسال حبس تأدیبی محکوم نموده و در رسیدگی مجدد حکم بدو ایراکسیخته و با اجازه ماده ۴۵ مکرر قانون کیفر عمومی یکربح از کیفر او را تخفیف داده و به نه ماه حبس تأدیبی محکوم میگردد.

از این حکم محکوم پژوهش خواسته و دادگاه استان ایرادی وارد ندیده و حکم را استوار کرده است.

برائز فرجام خواستن محکوم شعبه ۸ دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم

شماره $\frac{۲۰۲۴}{۲۹۶۸۶۱۸}$ چنین رای داده است :

(چون دادگاه جنحه در حکم ثانوی خود در مقام تخفیف قید کرده که ماده ۴۵ مکرر اجازه بکریع تخفیف داده چنین استفاده میشود که دادگاه مجازات حداکثر را که در ماده ۱۶۵ قید شده است کیفر بدون حداقل و اکثر دانسته و تخفیف را بیشتر از یکربح جایز ندانسته در صورتیکه در این مورد اصل کیفر که در ماده ۱۶۲ معین شده حداقل و اکثر دارد و ماده ۱۶۵ حداکثر همان کیفر را لازم دانسته بنا بر این مورد مشمول قسمت اخیر ماده ۴۵ مکرر نیست و بانوجه باینکه محکمه ممکن بوده است اگر چنین نظری اتخاذ نمیکرد تخفیف بیشتری بدهد و از این جهت این استنباط دادگاه تاثیر در میزان کیفر داشته حکم فرجام خواسته مبنی بر استواری حکم مزبور باتفاق آراء شکسته میشود و رسیدگی شعبه دیگر دادگاه استان ارجاع میشود).

حکم دیوان کشور در مورد

تصرف عدوانی نسبت بملک مشترک

(۲)

کسی بطرفیت یکنفر بعنوان تصرف عدوانی دادخواستی بدادگاه بخش تقدیم

و توضیح داده که خواننده درملکی که دودانک آن متعلق بمن است بدون اجازه ۷ حلقه چاه برای قریه ملکی خود حفر کرده و درخواست رفع بدو خسارات وارده را دارم دادگاه بخش پس از رسیدگی خواننده را ثیباً محکوم بخلع بد کرده و در مرحله اعتراض نیز همان حکم تأیید گردیده است

محکوم علیه از این حکم بژوئش خواسته و دادگاه شهرستان مرجع رسیدگی بژوئشی پس از رسیدگی (بنظریه اینکه دعوی مطروح مشمول ماده ۳۲۳ قانون آئین دادرسی مدنی که تصرف عدوانی را معرفی نموده نییاشد) حکم نخستین را گسیخته و حکم بیطلان دعوی خواهان بامبلنی خسارت دادرسی داده است

از این حکم خواهان بدوی فرجام خواسته و عده اعتراض این بوده که احد از شرکا، حق مداخله و عملیات درملک مشاع بدون اجازه شریک ندارد

شعبه اول دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره $\frac{۱۲۶۶}{۲۹۸۸۳}$ چنین رأی

داده است:

(چون دادگاه عمل خواننده را دخالت در مال مشاع بدون اذن شریک دانسته است خواهان حق دارد که بر طبق مستفاد از ماده ۵۸۱ قانون مدنی منع دخالت خواننده را درخواست نماید و همین منظور را هم از عنوان تصرف عدوانی داشته بنابراین صرف نظر از جواز باعدم جواز اقامه دعوی تصرف عدوانی در ملک مشاع حکم بیطلان دعوی در این مورد صحیح نبوده از این جهت حکم فرجام خواسته با تفاق آراء شکسته میشود و رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه شهرستان تهران رجوع میشود.)

حکم دیوان کشور راجع

بشروع استفاده در مورد جعل

(۳)

کسی باتهام جعل و شروع یا استفاده از آن مورد تعقیب دادرسی شهرستان واقع شده و در حدود ماده ۱۰۶ قانون کیفر عمومی درخواست تعیین کیفر او از دیوان جنائی میشود

دیوان مزبور با حضور متهم و وکیل مدافع و نماینده دادرسی استان نسبت بموضوع رسیدگی کرده و ضمن اذعان استان تقاضای رسیدگی باتهام دیگر متهم (ورود بدون تذکره) را نیز مینماید دادگاه پس از پایان دادرسی مسلم دانسته که متهم با جعل حواله بحال علیه رجوع و مبلغ بانصدریال مطالبه نموده و این عمل را باماده ۱۰۶ قانون کیفر عمومی منطبق دانسته و وارد شدن بکشور را بدون تذکره نیز باماده ۲۶ قانون تذکره تطبیق کرده و با رعایت تخفیف و اجازه ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی او را بشمامه حبس تادیبی و پرداخت مبلنی مجازاتاً محکوم نموده و نسبت بشروع استفاده از جعل و سایر اتهامات بواسطه عدم کفایت ادله تبرئه میشود

دادستان استان درخواست فرجام کرده و خلاصه اعتراض این بوده که اولاً بانعدد

جرم استناد بماده ۴۴ مورد نداشته و باید بماده ۵۰ مکرر استناد شود و ثانیاً متهم بشام جرائم اقرار کرده و برائت او مخالف اقرار اوست

شعبه پنجم دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره $\frac{۲۰۴۹}{۲۹۸۸۲۰}$ بشرح

زیر رأی داده است :

(نسبت باتهام متهم بجعل چهار فقره اوراق دیگر و استفاده از اوراق مجبوله مزبوره که حکم برائت او صادر گردیده اعتراض دادستان استان دایر بکفایت اداه برای اثبات مجرمیت متهم درموارد چهار فقره اوراق دیگر که دادگاه حکم برائت او را داده درحقیقت اعتراض است بنظردادگاه درکافی نداشتن ادله برای اثبات صدور عمل ازمتهم این قبیل اعتراضات درمرحله فرجامی مورد نظر واقع نمیکردد و بر رسیدگی و اصدار حکم برائت اشکال دیگری که شکستن حکم فرجام خواسته را ایجاب کند بنظر نرسد لذا حکم مزبور از این جهت استوار میشود ولی در موضوع حکم برائت یا عدم مسئولیت متهم درمورد شروع با استفاده ازورقه حواله مجبوله باسم . . . و امضاء . . . چون استدلال دادگاه بر برائت متهم از شروع با استفاده با آنکه در اثناء استدلال به جعلیت ورقه مزبوره دادگاه تصریح نموده که مسلم است متهم ورقه مجبوله را نزد محال علیه برای وصول وجه آن برده و با این صورت استدلال بعدی دادگاه بعدم کفایت دلیل برای شروع با استفاده ازورقه مزبور معنی ندارد و بردن ورقه نزد محال علیه که در نظر دادگاه مسلم بوده یکی از انواع شروع باستناد است و هم چنین استدلال دادگاه بر جرم نبودن عمل استفاده نسبت بجاعل صحیح نیباشد زیرا استفاده خود عمل جداگانه است که حتی نسبت بجاعل جرم جداگانه محسوب است و حکم دادگاه بر برائت یا عدم مسئولیت متهم مخالف اصول و قواعد میباشد لذا حکم مزبور بموجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی شکسته میشود و رسیدگی مجدد بدادگاه جنائی ارجاع میگردد.)

حکم دیوان کشور در مورد

تقسیمی که موجب نقصان فاحش باشد

(۴)

وکیل کسی دادخواستی بطرفیت چند نفر بخواسته تقسیم و افراز چهارده سهم از شصت و شش سهم خانه مشتمل بر اندرونی و بیرونی بدادگاه بخش میدهد و دادگاه مزبور (باستناد اینکه قابل افراز نیست و کارشناس بدون استجازه از خواهان برای اینکه خواسته قابل افراز شود چهارده سهم را به سیزده سهم و خمس سهم تقلیل داده و باینکه خواهان آنطرف موکلش را ازمآزادان اعلام نموده و ماده ۱۱۷ آئین دادرسی مدنی هم اجازه کم کردن خواسته را داده ولی نظر باینکه میزان سهام خواندگان و بهای آن متفاوت میباشد قهراً تبدیل سهام طبق ماده ۵۹۹ قانون مدنی

بوسیله استقراع از نقطه نظر عدم حصول تراضی فیما بین متداعیین عملی نخواهد بود و استقراع نیز خالی از اشکال نیست و قسمتی از خواسته هم بحالت اشاعه باقی خواهد ماند) با تطبیق مورد بامواد ۵۹۳ و ۵۹۵ و ۶۰۱ قانون مدنی درخواست خواهان را غیاباً رد کرده است

خواهان از این رای پژوهش خواسته و دادگاه شهرستان اعتراض او را (باینکه کارشناس قابلیت ملک را برای تقسیم تصدیق نکرده) باین علت که (کارشناس در نظریه خود گفته است تقسیم ملک بدون رضایت شرکاء موجب ضرر سایر شرکاء خواهد بود) وارد ندانسته و آنرا استوار نموده است
خواهان درخواست رسیدگی فرجامی نموده و عمده اعتراضش این بوده که خواسته قابل تقسیم است .

شعبه سوم دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره $\frac{۱۰۰۳}{۲۹۹۵۳۰}$ چنین

رای داده است :

(مطابق ماده ۵۹۰ از قانون مدنی در صورتیکه شرکاء بیش از دو نفر باشند ممکن است تقسیم فقط نسبت بیک یا چند نفر از آنها بعمل آید و سهام دیگران با اشاعه باقی بماند و مطابق ماده ۵۹۱ و ۵۹۲ و ۵۹۳ ضرر در صورتی مانع از اجبار به تقسیم است که از تقسیم حاصل شود و ضرر مانع از تقسیم عبارت است از نقصان فاحش قیمت بقدریکه عادتاً قابل مسامحه نباشد و در صورتیکه تقسیم برای بعضی از شرکاء مضر باشد و تقاضای تقسیم از طرف منفرد باشد طرف دیگر اجبار میشود و مطابق ذیل ماده ۳۱۶ قانون امور حسبی اگر تعدیل محتاج بضمیمه کردن پول باشد بضمیمه آن تعدیل میشود و در این مورد دادگاه با استناد اینکه کارشناس در دادگاه گفته است تقسیم ملک بدون رضایت شرکاء موجب ضرر سایر شرکاء است تقاضای تقسیم را رد نموده در حالی که اولاً کارشناس طبق صورتی که بدادگاه نخستین داده محل را قابل تقسیم دانسته و سهام را تعدیل و معین کرده و قسمتی از آن را بحال اشاعه گذاشته است و جهاتی که دادگاه بخش مبنی بر عملی نبودن نظر کارشناس ذکر نموده با توجه باینکه مذکور فوق موجب نیست تا بنا بر فرض حصول ضرر برای سایر شرکاء دادگاه تحقیق نکرده است از اینکه با ملاحظه ماده ۵۹۳ قانون مدنی تقسیم موجب نقصان فاحش قیمت است بقدریکه عادتاً قابل مسامحه نباشد بانه و چون بجهت مذکور رسیدگی ناقص است طبق ماده ۵۵۹ آیین دادرسی مدنی حکم فرجام خواسته با اتفاق آراء شکسته میشود و رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه شهرستان ارجاع میشود .

حکم دیوان کشور

در مورد مجازات تعدد جرم

(۵)

یک نفر در شگه چی با اتهام قتل غیر عمد کودکی و جرح غیر عمد بکودک دیگر

تحت تعقیب واقع شده و پس از بازجویی های لازم و صدور قرار مجرمیت او از طرف بازپرس و تنظیم کیفرخواست از طرف دادسرای شهرستان کیفر او از دادگاه جنحه درخواست میشود .

دادگاه مزبور پس از رسیدگی مجرمیت متهم را ثابت دیده و برای جرح غیر عمد طبق ماده ۱۷۴ قانون کیفر عمومی بیکماه حبس تادیبی و برای قتل غیر عمد طبق ماده ۱۷۷ و ماده ۴۵ مکرر آن قانون بیک سال حبس تادیبی محکوم میشود
متهم از این حکم پژوهشخواسته و دادگاه استان نیز ایرادی بر حکم وارد ندیده و حکم را استوار کرده است
بر اثر فرجام خواستن محکوم شعبه ۵ دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم

شماره $\frac{۲۰۸۹}{۲۹۶۸۲۳}$ چنین رای داده است :

« چون بموجب ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی (هرگاه فعل واحداً ازای عناوین متعدد جرم باشد مجازات جرمی داده شود که جزای آن اشد است) و ماده ۲ الحاقی با اصول محاکمات جزائی هم صریح است دراینکه (اگر شخصی مرتکب چند عمل شده) و در این مورد عمل متناسب بمتهم فقط يك عمل بوده که منتهی بقتل یکی و جرح دیگری شده و بنا برین فرض تعدد جرم و تعدد مجازات و استناد بماده ۵۴ مکرر که موثر در تعیین کیفر است صورت قانونی ندارد لذا حکم فرجام خواسته بموجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی شکسته میشود رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه استان ارجاع میگردد»

حکم دیوان کشور

در مورد مجازات تخلف از قانون ازدواج

(۶)

مردی باتهام ازدواج با دختری که بسن قانونی نرسیده و نیز باتهام ترك انفاق و ایراد ضرب نسبت باو مورد تعقیب دادسرای شهرستان واقع شده و از طرف داد - سرای مزبور طبق ماده ۲ قانون ازدواج و ماده ۲۱۴ قانون کیفر عمومی کیفر او از دادگاه جنحه درخواست میشود .

سه نفر دیگر نیز بعنوان معاونت بامتهم مزبور در ازدواج غیر قانونی معرفی گردیده اند .

دادگاه جنحه در نتیجه رسیدگی مجرمیت شوهر را برای ازدواج با دختری که بسن قانونی نرسیده و برای ایراد ضرب باو مسلم دانسته و مطابق ماده ۱ و ۲ قانون ازدواج و ماده ۱۷۲ قانون کیفر عمومی با رعایت تعدد و تخفیف برای ایراد ضرب بدوازه روز حبس تادیبی و برای ازدواج در غیر دفتر اسناد رسمی بششماه حبس تادیبی و برای ازدواج با دختری که بسن قانونی نرسیده بششماه و یکروز حبس تادیبی

محکوم نموده و از اتهام ترك اتفاق از لحاظ قید دلیل کافی تبرئه میشود.
 سه نفر دیگر نیز با توجه ب ماده ۲ قانون ازدواج و فقره ۲ از ماده ۲۸ قانون
 کیفر عمومی و رعایت ماده ۴۵ هر کدام بیکماه حبس تادیبی محکوم میگرددند.
 متهم اصلی از این حکم پژوهش خواسته و سه نفر دیگر بحکم تسلیم
 می شوند.

دادگاه استان در رسیدگی پژوهشی ابراد ضرب را ثابت ندانسته و برائت
 متهم را در این قسمت اعلام نموده و در وقت تخلف از مقررات ازدواج نیز از لحاظ
 اینکه ازدواج با کسی که بسن قانونی نرسیده قابل ثبت در دفتر ازدواج نیست حکم
 بدو بر اکیخته و متهم رابط ماده ۲ قانون ازدواج بچهار ماه حبس تادیبی محکوم
 کرده است.

دادسرای استان درخواست فرجام کرده و شعبه ۵ دیوان کشور پس از رسیدگی
 در حکم شماره ۲۱۹۱-۲۹۸۳۰-۲۹۸۳۰ چنین رای داده است :
 (چون اعتراض دادستان فرجام خواه خلاصه آنکه (متهم دارای دو اتهام بوده
 یکی عدم ثبت واقعه در دفتر ازدواج و دیگری ازدواج با زنی که بسن قانونی نرسیده
 و دادگاه فقط يك اتهام را مورد حکم قرار داده) بر حکم فرجام خواسته وارد نیست
 زیرا ثبت واقعه ازدواج که در ماده ۱ قانون ازدواج مصوب ۲۰/۵/۱۳۱۰ الزامی
 شده ناظر است باز دو اجزائی که از جهات دیگر مانع قانونی نداشته باشد و بر رسیدگی
 و اصدار حکم و تطبیق عمل بر قانون و تمیین کیفر اشکالی که شکستن حکم فرجام
 خواسته را ایجاب نماید بنظر نمیرسد لذا حکم مزبور با کثرت استوار میشود.)

حکم دیوان کشور

در موضوع رد ایراد هر و ر زمان يك ساله نسبت بمعامله واقع

در اثر اکراه

(۷)

بدو آقای عل شهیدزاده بوکالت ا طرف فرجام خوانده بخواسته یک هزار و
 هفتاد و نه متر مربع و کسری زمین مشاع واقع در شمال شرق ایستگاه راه آهن مقوم
 به دو بیست هزار ریال بطرفیت فرجام خواه در دادگاه شهرستان تهران اقامه دعوی نموده
 و چنین توضیح داده است که شهردای (فرجام خواه) در زمان شاه سابق زمین مذکور
 را که ملک من و نزد بانک رهنی در مقابل یکصد هزار ریال وثیقه بوده است با جبار از من
 قباله گرفته و پس از تغییر سلطنت و وقایع شهریور ۱۳۲۰ اینجانب با داده شهرداری
 مراجعه و تقاضای ابطال قباله را نمودم در پاسخ من شهرداری مذکور مرا دلالت به-
 مراجعه بحکم قضائی نموده است. بنابراین با استناد مواد ۱۹۹ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و
 ۳۴۶ قانون مدنی تقاضای صدور حکم محکومیت شهرداری بخلع ید از زمین موکل و

ابطال سندرسی وجبران خسارات را دارم مستند دعوی

- ۱ - رونوشت سندرسی دفترخانه شماره ۳۹ تهران راجع بوقوع معامله
- ۲ - رونوشت التزام نامه رسمی دفترخانه شماره ۲ تهران راجع به الزام موکل بفروش زمین مزبور بشهررداری بعدازفک وثیقه بانك رهني
- ۳ - رونوشت نامه ۶۲۷۰ شهرداری خطاب بموكل مبنی بر تهدید
- ۴ - رونوشت نامه شهرداری خطاب به بانك رهني
- ۵ - رونوشت نامه شهرداری دائر بارجاع كار بداد گستري
- ۶ - پرونده شهرداری
- ۷ - مندرجات پرونده های سابق که منتهی باباطال عرضحال شده
- ۸ - تحقیقات محلی دادگاه پس از رسیدگی باستناد اوراق مدارك دعوی و شهادت شهود وعقیده کارشناس دایر باینکه خواسته چنین معامله سیصد هزار ریال قیمت داشته وبمبلغ یکصد هزارریال نزد بانك رهني وثیقه بوده وحال آنکه معامله بمبلغ پنجاه هزارریال انجام گردیده وباستناد اظهارات خواهان ومدافعات طرف ودلائل دیگری که درحکم خود ذکر کرده مجبور ومکره بودن خواهان را درانجام معامله ثابت دانسته وحکم باباطال سندرسی شماره ۱۵۶۸۰ مورخ ۳۰/۴/۲۰۰۶ دفتر اسناد رسمی ۳۹ تهران ومحكومیت شهرداری را بخلع ید از مورد معامله ودادن بتصرف خواهان در مقابل اخذ مبلغ ۵۳۹۹۹۵ ریال از خواهان بابت نمن معامله صادر نموده و نیز شهرداری را بپرداخت مبلغ ۱۰۴۱ ریال بابت هزینه دادرسی وبسول تمیر اوراق و چهارهزار ریال بابت دستمزد کارشناس و ده هزار ریال بابت خسارت حق الوکاله در وجه خواهان محکوم کرده است) نسبت باین حکم از طرف محکوم علیه دادخواست پژوهشی تقدیم دادگاه استان مرکز شده وشعبه پنجم دادگاه پس از صدور قرارداد ایراد مرور زمان (که از طرف پژوهشخواه در مرحله بدوی بعمل آمده و چون تعیین تکلیف نشده بوده است در این مرحله نیز تکرار گردیده) وبس از تکمیل رسیدگی چنین رای داده است (علاوه از آنکه شهرداری در نامه شماره ۱۶۹۴۶ - ۶۸۷۱ مورخ ۲۶/۲/۱۳۲۰ بعنوان بانك رهني بدون هیچ سستی از طرف رهن خود اقدام بفق رهن نموده ورونوشت نامه مزبوره که برای محمود فری ارسال داشته مشارالیه را مکلف نموده که بابت مبلغ یکصد هزار ریال برداختی سفته چهار ماهه با رعایت سود ۲۵ درصد تهیه وبشهررداری ارسال دارد مضافاً بگرفتن التزام نامه از پژوهشخوانده در تاریخ مقدم بر معامله قطعی ودر نظر گرفتن مبلغ برداختی به پژوهشخوانده و نظر به کارشناس که از طرف وکیل شهرداری اعتراض قابل توجهی وخدشه درصحت نظریه صادر نشده مؤیداً بساوضاع و احوال دیگر کره واجبار پژوهشخوانده در معامله زمین مورد دعوی محرز و دادنامه پژوهشخواسته در مورد ابطال سند تنظیمی ومحكومیت شهرداری بخلع ید از زمین مورد معامله اشعار در سند فوق الذکر خالی از اشکال واستوار میشود ودر قسمت محکومیت

بزهشخوانده پرداخت مبلغ ۵۳۹۹۹۹۵ ریال بابت ثمن مبیع چون در این خصوص از طرف مشارالیه بزهشخواهی نشده لذا مورد رسیدگی و نظر این دادگاه واقع نگردیده است) نسبت باینحکم تقاضای رسیدگی فرجامی شده و بشبه ششم دیوان کشور ارجاع گردیده عمده اعتراضات فرجامی بطور خلاصه اینست که اولاً قرارداد ایراد مرور زمان موقعیت قانونی نداشته زیرا موضوع دعوی ابطال معامله است و مرور زمان آن یکسال میباشد تا با در ماهیت امر حکم فرجامخواسته برخلاف مواد ۲۰۲ و ۲۰۴ و ۲۰۵ قانون مدنی صادر شده و جریان قضیه بهیچوجه مقرون بخوف و اکراه نبوده و ماده ۲۰۸ قانون مدنی مجرد خوف را بدون اینکه مقرون بعملی باشد اکراه نمیداند و نامه شماره ۱۶۹۴۹۶۸۷۱ بعنوان بانک رهنی دلالتی بر اکراه ندارد و تذکر باینکه (انجام معامله بمنظور ساختن مهمانخانه مجللی در راه آهن میباشد) اشکالی در قضیه ایجاد نمی نماید ثالثاً کسب نظر کارشناس نسبت بگذشته آنهم بدون سند و مدرک معلوم نیست روی چه اساسی بوده پرونده در جلسه ۲۹۱۲۷۷ شعبه نامبرده که مرکب از آقایان زیر بود آقای آقامرئضی دادیان رئیس آقای سید عبدالکریم لواسانی مستشار آقای اسماعیل سامنی مستشار مطرح و پس از خواندن گزارش آقای سامنی و صدور قرار قبول دادخواست فرجامی و ملاحظه نظریه کتبی آقای عبدالحمید غیائی دادیار دیوان کشور که مبنی بر ابرام بود مشاوره نموده با کثرت آراء چنین رأی میدهند (رای دادگاه) اعتراضات وکیل فرجامخواه آنچه راجع بقرارداد ایراد مرور زمان است وارد نمیشد زیرا شق چهارم ماده ۷۴۰ قانون آئین دادرسی مدنی که باستناد آن ایراد مرور زمان شده راجع باین است که دعوائی بعنوان فسخ یا بطلان معامله اقامه شده و در مقابل چنین دعوی خوانده ایراد مرور زمان نماید و در این مورد دعوی باستناد ماده ۲۰۳ قانون مدنی که اکراه را موجب عدم نفوذ معامله دانسته اقامه گردیده و بدیهی است معنی عدم نفوذ معامله بطلان آن نیست بلکه در معامله بامکره پس از رفع اکراه از او و امضای معامله واقع شده در حال اکراه آن معامله نافذ خواهد بود و خلاصه اینکه دعوی بعنوان بطلان معامله اقامه نشده تا ایراد مرور زمان باستناد ماده ۷۴۰ قانون آئین دادرسی مدنی موقعیت داشته باشد و اما اعتراضات وکیل فرجامخواه راجع بماهیت امر کلاً بر نظرو استنباط دادگاه است که مورد رسیدگی فرجامی واقع نخواهد شد. بنابراین قرار و حکم فرجامخواسته بدون اشکال بوده ابرام میگردد.